

دلایل وهابیان در تحریم بنا بر قبور،  
زیارت قبور و بهانه های واهی وهابیت  
(4)

#### دلایل وهابیان در تحریم بنا بر قبور، زیارت قبور و بهانه های واهی و هابیت (4)

از علل جنایات وهابیت می توان به تحریم بنا بر قبور و زیارت قبور اشاره کرد، که در این نوشتار با بررسی دلایل وهابیت بر تحریم بنا بر قبور به این نتیجه دست یافته که وهابیان بر اثر عدم قدرت کافی علمی بر تحلیل مسائل اسلامی به خصوص مسأله توحید و شرک، باعث شده تا در مسأله‌ی چون زیارت، شفاعت و یا بنای برقبور و امور دیگری از این قبیل، همه را به نحوی مخالف شرع دانسته و با مسأله «شرک» و «بدعت» پیوند زدند و با آن مخالفت نمودند

قرن ها بر مسلمانان گذشت و بناهای تاریخی و معمولی فراوانی بر قبور بزرگان اسلام بنا کردند و به زیارت این قبور می آمدند و تبرک می جستند و هیچ کس ایرادی نداشت، و در واقع یک اجماع و سیره عملی بر این کار بود و مخالفتی دیده نمی شد. تاریخ نویسانی همچون مسعودی در مروج الذهب، که در قرن چهارم هجری می زیست و جهانگردانی مانند ابن جبیر و ابن بطوطه که در قرون هفتم و هشتم می زیستند، همگی از وجود این بناهای باشکوه و پر عظمت در سفرنامه های خود خبر داده اند.

تا این که ابن تیمیّه در قرن هفتم و شاگرد او محمد بن عبدالوهاب در قرن دوازدهم پیدا شدند و بنای بر قبور را بدعت و حرام و شرک پنداشتند. وهابیان بر اثر عدم قدرت کافی علمی بر تحلیل مسائل اسلامی به خصوص مسأله توحید و شرک، گرفتار وسواس عجیبی در این مسأله شده و هر جا دستاویزی پیدا کردند به مخالفت برخاستند، در مسأله زیارت، در موضوع شفاعت، در باب بنای برقبور و امور دیگری از این قبیل، همه را به نحوی مخالف شرع دانسته و با مسأله «شرک» و «بدعت» پیوند زدند و با آن مخالفت نمودند و از مهم ترین آنها بنای بر قبور بزرگان دین بود. تا اینکه در حدود 80 سال پیش (سال 1344ه ق) هنگامی که در حجاز به قدرت رسیدند، در یک حرکت هماهنگ ناپخته، تمام بناهای تاریخی اسلامی را به بهانه شرک یا بدعت ویران کرده، و با خاک یکسان نمودند. بارها در طول تاریخ به کربلا و نجف لشکر کشیده و هدایای امت اسلامی برای بقاع متبرکه را به یغما بردند و در این راه از هیچ جنایتی مضایقه نمودند. چند سالی پیش نمی گذرد که این گروه تندرو با اجیر نمودن مزدورانشان بقعه مبارکه امامان عسکریین را ویران ساخته و به این عمل مباحات ورزیدند.

با این همه جرأت نکردند به سراغ قبر مطهر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) بروند، مبدا عموم مسلمین بر ضد آنها قیام کنند و به اصطلاح این «مخالفتان تقیه» از دیگر مسلمانان «تقیّه» کردند! بر این اساس در این گفتار برآنیم تا یکی از اشکالات این گروه تحت عنوان بازسازی و بنای قبور را مورد بررسی و نقد قرار داده و با استدلال و بهره گیری از آیات و روایات بدان پاسخ دهیم.

#### شرح اشکالات و دلایل وهابیان در تحریم بنا بر قبور

مسلمانان در موضوع بازسازی و عمارت بر قبور انبیاء و اولیاء، و طواف پیرامون آنها، و مسجد و عبادتگاه قرار دادن این قبور، با یکدیگر، اختلاف کرده اند. معتقدان به تحریم به روایاتی استدلال می کنند که مهمترین آنها اینها هستند:

الف) از امام علی علیه السلام روایت کرده اند که فرموده:  
كان رسول الله صَلَّى الله عليه وآله في جنازة فقال: ايكم. .... و لا قبرا الا سويته، و لا صوره  
الالطختها.

علی علیه السلام فرموده: رسول خدا صَلَّى الله عليه وآله در تشییع جنازه ای بود که فرمود:  
کدام یک از شما به سوی مدینه می رود تا همه بتهای آنجا را شکسته و همه قبرهای آن را  
صاف و همه صورتها (= مجسمه های) آن را در دگرگون کند؟ مردی گفت: من ای رسول خدا! او  
رفت و از مردم مدینه ترسید و بازگشت. علی علیه السلام گفت: ای رسول خدا صَلَّى الله عليه  
وآله من بروم فرمود: برو. او رفت. سپس بازگشت و گفت: ای رسول خدا صَلَّى الله عليه وآله!  
همه بتها را شکستم، همه قبرها را صاف کردم و همه صورت ها را واژگون نمودم..(1)

### پاسخ به مدعای روایی و اشکال وهابیت

بر اثر برداشت کاملاً نادرستی که بعضی، از این حدیث داشتند، کلنگ به دست گرفته و تمام  
قبور بزرگان اسلام را ویران کردند، به استثنای قبر مطهر پیامبر(صلی الله علیه وآله) و قبر خلیفه  
اول و دوم که در کنار قبر پیامبر(صلی الله علیه وآله) بود به حال خود رها ساختند، استثناهایی  
که هیچ دلیلی برای آن نمی توان یافت. با این همه گذشته از تمام تناقضاتی که در فعل و عقیده  
وهابیان وجود دارد، این شبهه را پاسخ می گوئیم:

### مساله نخست: بررسی اوضاع مدینه پیش از هجرت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از آنکه برخی از مردم مدینه اسلام آوردند، پیش از هر کار،  
ابتدا مصعب بن عمیر را برای یاد دادن احکام آنروزین اسلام به تازه مسلمانان، به سوی آنان  
گسیل داشت، زیرا تنها بخشی از مردم مدینه در سفری که به حج رفته، در عقبه حاضر شده و  
با رسول خدا صلی الله علیه و آله مخفیانه بیعت کرده بودند، و اسلام در میان آنان گسترش  
نیافت مگر آنگاه که رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی ایشان هجرت کرد، و آنان به تدریج  
به اسلام گرویدند. از سویی دیگر حضرت امام علی علیه السلام نیز، پس از سه روز یا بیش تر،  
در پی آن حضرت روان شد. داستان ورود پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه نیز، معروف و  
مشهور است، که بسیاری از تاریخ نویسان و سیره نویسان به نقل آن پرداخته اند. از طرفی می  
دانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از آنکه با یهود بنی قریظه و بنی النضیر و بنی  
قینقاع پیمان نامه صلح منعقد کرد، حکومت خود بر مدینه را به تدریج بسط و گسترش داد.  
حال، با چنین روندی که تاریخ از شروع و توسعه و گسترش اسلام در مدینه حکایت می کند،  
سؤال این است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله در کجا و چه وقت، در حالی که در تشییع  
جنازه بوده، چه زمانی امام علی علیه السلام را به مدینه فرستاده تا بتها را نابود، قبرها را صاف  
و بیکره ها را واژگون نماید؟

آن هم از موضع قدرت و بمانند فرمانروایی که سرپیچی از فرمانش ممکن نیست؟ اضافه بر آنکه  
ایشان و اصحاب در شرایطی قرار دارند که فرستاده نخستین ایشان مصعب ابن عمیر می رود و  
ترسان بازمی گردد، در حالیکه پیامبر و دیگران همچنان در تشییع جنازه بوده اند؟! سپس پیامبر  
صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام را بعد از او فرستاده و آنان همچنان در تشییع  
جنازه بوده اند! به زعم وهابیت چه تشییع جنازه ای که ساعتها به طول می کشد!؟

### مساله دوم در روایت: زمان و مکان ماموریت

در دنباله روایت فوق آمده است که امام علی - علیه السلام - به ابوالهیاج اسدی فرمود:  
«ابعثک فیما بعثنی رسول الله صلی الله علیه و آله: امرنی ان اسویکل قبر و اطمس کل صنم.

من تو را به کاری مامور می کنم که رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا مامور آن کرد: فرمانم داد تا همه قبرها را صاف و همه بتها را نابود کنم.

مسلم است که امام - علیه السلام - ابوالهیاج اسدی را تنها در دوران حکومت و خلافت خویش ماموریت داده است. بنابر این، باز هم این سوال پیش می آید که: ماموریت امام - علیه السلام - به ابوالهیاج در کجا و چه وقت بوده است؟

در عصر خلافت امام علی - علیه السلام - و پس از فتوحات اسلامی و پس از دوران خلفایسه گانه یا پیش از آن؟ امام - علیه السلام - ابوالهیاج را به کدام یک از سرزمینها فرستاده تا قبرها را ویران و صاف و بتها را محو و نابود کند؟!

نهایت اینکه، در هر دو روایت، فرمان صادره از رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علی - علیه السلام - آن هم به فرض صحت اخبار - فرمان نابودی و ویرانی قبور مشرکین در سرزمین شرک است. گسترش این حکم به قبور مسلمانان و وجوب ویرانی آنها از کجای روایت به دست می آید؟!

### مساله سوم: خدشه دار بودن اسنادی و مفهومی حدیث

اولاً: در سند این حدیث افراد متعددی هستند که از نظر رجال اهل سنت نیز مورد تأیید نمی باشند و بعضی از آنها از ارباب تدلیس بوده اند، به خصوص «سفیان ثوری» و «ابن ابی ثابت». ثانیاً: به فرض این که این حدیث صحیح بوده باشد مفهومی این است که روی قبر صاف باشد (و به صورت پشت ماهی که رسم کفار بود، نباشد) و بسیاری از فقهای اهل سنت نیز فتوا داده اند که باید روی قبر صاف و مسطح باشد، که این امر ارتباطی با بحث ما ندارد. چون عبارت «و لا قَبْرًا اِلَّا سَوَّيْتَهُ» در حدیث به معنای تخریب بنای قبور نیست، بلکه به معنای مسطح کردن آن در مقابل تسنیم است.

چنانکه قسطلانی می گوید:

السنة في القبر تسطيحه، و انه لا يجوز ترك هذه السنة لمجرد انها صارت شعاراً للروافض، و انه لا منافات بين التسطيح و حدیث ابی هياج، : لانه لم يُردّ تسويته بالأرض و انما أراد تسطيحه جمعاً بين الأخبار. .. (3)

ثالثاً: فرض می کنیم که مفهوم حدیث این است که باید قبر هم سطح زمین باشد و اصلاً برآمدگی نداشته باشد، این موضوع ربطی به مسأله بنای بر قبور ندارد؛ فرض کنیم روی قبر پیامبر(صلی الله علیه و آله) سنگی هم سطح زمین باشد در عین حال این گنبد و بارگاه را که امروز روی آن می بینیم منافاتی با حکم مزبور ندارد.

همان گونه که در قرآن مجید نیز می خوانیم، وقتی راز اصحاب کهف فاش شد، مردم گفتند بنایی بر قبور آنها بسازیم، سپس می فرماید: «(قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمُ مَسْجِدًا)؛ کسانی که از وضع آنها آگاه بودند گفتند: مسجدی بر جایگاه آنها می سازیم(4) قرآن مجید با لحن موافق این داستان را نقل می کند و ایرادی بر آن نمی گیرد، یعنی ساختن مسجد در کنار قبور بزرگان مانعی ندارد.

از طرفی چگونه است که آیات قرآن جای پای حضرت ابراهیم (مقام ابراهیم) را «وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» (5) محل نماز و عبادت، و از شعائر الهی می داند، در حالیکه این مقام صرفاً سنگی است که بر آن جای پای حضرت ابراهیم مشخص است، آیا این دلیل بر این مطلب نمی باشد که آثار انبیاء و صلحا به عنوان شعائر الهی ارزشمند بوده و می توان از آن به عنوان محل نیایش پروردگار و دعا در پیشگاه وی بهره جست؟

مساله چهارم: بنای بر قبور سیره رسول خدا و صحابه

تاریخ گواهی می دهد که پیامبر خدا نه تنها با مساله زیارت و بنای بر قبور مخالفتی نداشته بلکه ایشان در مواردی به ساخت و بنای قبور، از جمله قبر مطهر مادر گرامیشان همت گمارده و پس از ایشان صحابه و مسلمانان به تاسی از رسول خدا، اتاقک، وگنبد سبز رنگی را بر فراز مزار آن حضرت و شیخین بنا نهادند.

چنانکه ابن سعد در طبقات پس از آوردن مشروح این خبر سخنی دارد که فشرده آن چنین است:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که در راه عمره حدیبیه به ابواء رسید نزد قبر مادرش آمنه آمد، آن را اصلاح کرد و در کنار آن گریست. مسلمانان هم به خاطر گریه رسول خدا گریستند». (6) علاوه بر نقل ابن سعد در طبقات، مساله خبر گریستن رسول خدا بر سر قبر مادرش و گریستن صحابه در سایر کتابهای حدیثی نیز آمده است. (7)

همچنین در طبقات ابن سعد و سیره ابن هشام روایتی است که دلالت بر این دارد که بر فراز توسط مسلمانانی که از نظر تاریخی بسیاری از آنان از صحابه، تابعین و معاصرین آنها بودند، مزار پیامبر گرامی اسلام و شیخین، معمور و تجدید بنا شد چنانکه سیره نویسان می نویسند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه خود، در همان اطاقی که جان به جان آفرین تسلیم کرد، دفن گردید. پس از آن هر یک از دو خلیفه، ابوبکر و عمر نیز، در آنجا دفن شدند. سپس این گنبد سبز رنگ را بر فراز آن بنا کردند» (8)

بنابر این می توان دریافت که روش مسلمین این بوده که روی قبرها بنا می ساخته و در عمران آنها می کوشیدند، که نمونه هایی دیگر از این دست را می توان در مواردی مانند: ایجاد بنا بر قبر ابراهیم فرزند پیامبر در خانه محمد بن زید بن علی، بنای قبر سعد بن معاذ، این قبر در منزل ابن افلح بود و در زمان عمر بن عبدالعزیز بر روی آن گنبد ساختند. (9) بنا بر روی قبر باهلی (سال 275 هـ.) در بصره. (10) بنا بر روی قبر امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب (ع) در قرن دوم، ایجاد بنا بر روی قبر بخاری در سمرقند، مشاهده نمودو از سویی دیگر نیز اگر هم دستور ی درباره تخریب بنای قبور بوده، در مبارزه با یکی از سنت های جاهلی شکل گرفته که صورت خاصی را که نشانگر منزلت قبیلگی و ارزشهای جاهلی بوده، بر قبرها قرار می دادند. در غیر این صورت هیچ دلیلی برای مسطح نمودن قبور وجود خارجی نداشته است.

### خلاصه سخن

وهابیان بر اثر عدم قدرت کافی علمی بر تحلیل مسائل اسلامی به خصوص مسأله توحید و شرک، گرفتار وسواس عجیبی در این مسأله شده و هر جا دستاویزی پیدا کردند به مخالفت برخاستند، در مسأله زیارت، در موضوع شفاعت، در باب بنای بر قبور و امور دیگری از این قبیل، همه را به نحوی مخالف شرع دانسته و با مسأله «شرک» و «بدعت» پیوند زدند و با آن مخالفت نمودند و از مهم ترین آنها بنای بر قبور بزرگان دین بود.

1- 89-87 1 - 612 3 - 963 89 2 -4684 -215 -1256 -1167 1 -267 1  
3234 -15728 - 343 4 - 292 2 -2949 -54510 2 -285 13